

# روز تربیت اسلامی

نام‌گذاری یک روز به نام «روز تربیت و سالروز امور تربیتی» در تقویم رسمی کشور، ۸ اسفند، حکایت از اهمیت این موضوع در نظام آموزش و پرورش کشور، بلکه کل نظام مملکتی، دارد. اما سؤال این است که اگر تربیت را مهم می‌دانیم، در ازای آن - چه در بعد فردی و چه اجتماعی - چه اقداماتی انجام داده یا می‌دهیم که نشان دهد این «اهمیت» یا «مهم بودن» را درک می‌کنیم؟ پاسخ به این سؤال سهل و ممتنع است. سهل است، زیرا به راحتی می‌توان به تعداد مدارس و دانشگاه‌ها، تعداد دانش‌آموزان و دانشجویان، شمارگان کتاب‌های درسی، تنوع درس‌های اخلاق مدار و دین محور و... اشاره کرد و نتیجه گرفت که این‌ها همه شاهد! و البته همین طور است؟ اما می‌دانیم که به قول اهل هندسه، این پاسخ اگر چه «لازم» است، ولی «کافی» نیست و به سؤال‌های اساسی‌تر که همانا میزان بهره‌وری نظام تربیتی ماست، پاسخ نمی‌دهد. از کانت حکیم آلمانی، نقل شده است که: دو کار در زندگی بشری از هر امری مشکل‌تر است؛ یکی مملکت‌داری و دیگری تعلیم و تربیت. و روشن است که منظور او از تعلیم و تربیت، صرف تربیت اخلاقی و بارآوردن آدم‌های خوب، به معنای مصطلح کلمه، نیست. بلکه اشاره دارد به «بار آوردن» افراد به گونه‌ای که از برآیند تعامل آن‌ها «جامعه» رو به تعالی و تکامل برود. با این نگاه است که می‌توان فهمید چرا تربیت، هم طراز مملکت‌داری قلمداد شده است. در سال‌های آغازین انقلاب اسلامی، بسیاری از نخبگان انقلابی که خود معلمانی برآمده از آموزش و پرورش بودند (کسانی چون شهید بهشتی، شهید باهنر، شهید رجایی، شهید سیدکاظم موسوی و...) و سال‌ها در این مسیر اندیشیده، کار کرده و حتی قلم‌زده و آثاری مکتوب پدید آورده بودند، به درستی بر امر «تربیت» انگشت نهادند تا از رهگذر آن بتوانند تحولی در آموزش و پرورش کشور که به اصطلاح «طاغوتی» بود، ایجاد کنند. در این راستا بود که اداره کل امور تربیتی را به معاونت پرورشی وزارت ارتقا دادند و با تربیت و جذب تعداد قابل توجهی مربی پرورشی، این بخش را به صورت یک «نهاد» در دل آموزش و پرورش ثبت کردند، و به خوبی می‌دانیم که این فعالیت بویژه با نام دو شهید - باهنر و رجایی - تا چه حد پیوند دارد.

اکنون که سه دهه از انقلاب اسلامی می‌گذرد، بررسی عملکرد امور تربیتی و به دست دادن کارنامه‌ای از آن، ضرورتی است که باید بدان اقدام و معلوم شود که چرا این حوزه از آموزش و پرورش، دچار دگرگونی و دگر‌دیی‌هایی شد و حتی یک بار در محاق انحلال رفت و بار دیگر طالع شد! و آیا در این طلوع دوباره، چه کار تازه‌ای، و از کدام منظر، انجام شد که قبلاً انجام نمی‌شد. نگارنده بر حسب حضور مستقیم و غیر مستقیم خود در این حوزه، از آغاز تا امروز، لازم دید، در سال‌روز تشکیل امور تربیتی، دو نکته را خاطر نشان سازد که شاید در آسیب‌شناسی امر تربیت - که مسئله همیشه ماست - مؤثر باشند.

۱. نگاه غالب ما به امر تربیت، عموماً نگاهی معطوف به «پرورش فضایل اخلاقی و دینی» در دانش‌آموزان بوده است، بدون آن که کلیت آن را در سطح وسیع علمی، تجربی، اجتماعی و حتی تاریخی مورد و تجزیه و تحلیل قرار دهیم. به عبارت دیگر، نگاه فراگیر به تربیت را مغفول نهاده و خواسته‌ایم از خلال بازگویی ارزش‌ها، نه نشان دان و تجسم بخشیدن آن‌ها در آزمایشگاه رفتارهای فردی و اجتماعی، به فرد تربیت یافته دست یابیم.

ادامه در صفحه ۹